

و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و «اقتصادی» و ... را تأمین می‌کند و اصل سوم آن می‌گوید: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ...» محور هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی ... - مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی،

«اقتصادی» اجتماعی و فرهنگی خویش، - رفع تبعیضات نازوا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی ... - پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و ... - توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم». مضافاً اصل بیستم قانون مزبور اشعار می‌دارد: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقسستصادی و ... برخوردارند». ایضاً در اصل ۲۸ آن آمده «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت

موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.»

بنابراین با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران قانونگذار خواسته است بر خلاف گذشته نظام اقتصادی نوینی را در

داشته‌اند، به خوبی بر این امر واقف بودند که یکی از عواملی که در تشکیل و تبلور حکومت اسلامی علوی (با مذاقه در خطبه‌ها و نامه‌های علی علیه‌السلام و سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام) و تعلیم و تربیت شهروندان بر پایه عزت و شکوت و کرامت انسانی و اسلامی دارای نقش غیر قابل انکاری است، قوانین و



تحقق اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی از انتظار تا واقعیت

○ نادر نیک‌پور کورنده

مقررات مربوط به امور اقتصادی آن می‌باشد. به همین لحاظ در اصل دوم قانون اساسی آمده است: جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به: ... کرامت و ارزشهای والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه: ... نفی هرگونه ستم‌کشی و سلطه‌گری

به بهانه فرارسیدن سالروز تصویب قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (۱۳ شهریور ۱۳۷۰) بر آن شدیم تا تعمق و تأملی هرچند گذرا در اصول اقتصادی نظام جمهوری اسلامی کشورمان که برگرفته از قانون اساسی است، جایگاه اقتصادی مربوط به قانون بخش تعاونی را در میان اصول اقتصادی قانون اساسی مورد جستجو و کنکاش قرار دهیم.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از اقدامات و مساعی شاخص و در خور توجه رهبران نظام جمهوری اسلامی، تدوین اصول قانون اساسی بر پایه قوانین حیات بخش شرع انور اسلام در جمیع ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی، قضایی و ... به منظور پایه‌گذاری حکومت حقه الهی و تحقق عملی احکام و فرامین اسلامی در جهت بسط و نشر عدالت اجتماعی و امحاء هرگونه ستم‌گری، ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و در یک کلام، تجلی قسط و عدل در همه ابعاد زندگی مردم در اقصی نقاط ایران و بالاخره تربیت شهروندان خود بر پایه کرامت و

ارزشهای والای انسانی و اسلامی بوده است. در همین راستا مدونین و مقننین اولیه اصول قانون مورد بحث، با توجه به اطلاعات و مطالعاتی که نسبت به تشکیلات و ساختارهای حکومت مترقی دنیا و همچنین با درایت و شناختی که نسبت به قوانین و فرامین جامع اسلام

موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند».

با ملاحظه مفاد دو اصل اقتصادی یاد شده، جهت تبیین درجه اهمیت و جایگاه آن در برنامه‌ریزی کلان اقتصاد ملی در چند سال اخیر خصوصاً در برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی، به اختصار فلسفه وجودی تدوین دو اصل موصوف را مورد بحث و بررسی قرار دهیم تا مشخص و مبین گردد که به چه دلیل و تحت کدام معیار و ملاکی قانونگذار محترم قانون اساسی، برخلاف قانون اساسی قبل از انقلاب به یکباره رویکرد خود را علاوه بر دو بخش اقتصادی دولتی و خصوصی به «راه سوم» که همانا تدوین اصول و ضوابط اقتصادی با معیارها و ضوابط «تعاونی» است، معطوف داشته است و مهمتر آنکه برابر توضیح و تفصیل آتی مبرهن خواهد شد که در تدوین و تعیین قانون اساسی، مدونین خواهان آن بوده‌اند که به دولت‌مردان جمهوری اسلامی تفهیم نمایند که برنامه‌ریزی کلان اقتصادی می‌بایست با محوریت بخش تعاونی صورت پذیرفته و دو بخش دولتی و خصوصی به عنوان مکمل ترسیم گردد.

حال با توجه به مراتب قبل از هر توضیحی باید گفت که متقن در قسمت اخیر اصل ۴۴ عنوان داشته: «مالکیت در این سه بخش اقتصادی تا جایی که با اصول دیگر این فصل (فصل چهارم) مطابق باشد... مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.» لذا به ناچار می‌بایست شرح مختصری در خصوص انواع مالکیت ارائه نماییم تا جایگاه اقتصاد تعاونی نسبت به انواع مالکیت مشخص و معلوم گردد. و آنگاه درجه اهمیت اقتصاد تعاونی تشریح گردد.

اساساً مالکیت برابر ضوابط اسلام بر سه نوع است.^۱ ۱- مالکیت دولتی ۲- مالکیت عمومی ۳- مالکیت شخصی (خصوصی).

مالکیت عمومی و مالکیت دولتی در حقیقت یک زیربنا و یک پایه و یک قلمرو دارند. به این معنا که چیزهایی که

باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصادی کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد. ۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد، ۴- رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری. ۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام، ۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات، ۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور، ۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور. ۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند».

پس قانونگذار محترم قانون اساسی جهت تأکید و تکمیل راهکارها و ضوابط اقتصادی کلان کشور در ابعاد و بخشهای مختلف، در اصل ۴۴ مقرر می‌دارد: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.» بخش دولتی شامل صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه و... مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکتها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که «مکمل» فعالیت‌های اقتصاد دولتی و تعاونی است.» در ادامه مقنن در اصل مزبور بیان می‌دارد: «مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و

ساختار حکومت اسلامی ترسیم و پایه‌گذاری نماید به نحوی که همه شهروندان با توجه به امکانات و تسهیلات ایجاد شده از سوی حاکمیت بتوانند در انتخاب شغل و روش تأمین معاش زندگی خود، مادامی که برخلاف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نباشد حق‌گزینش و انتخاب داشته باشند. به عبارت دیگر همه اقتدار جامعه (در هر سطحی) برای تأمین زندگی شرافتمندانه همراه با صیانت، کرامت و عزت نفس خویش بتوانند با عنایت به امکانات و تسهیلات برابر و مساوی که حاکمیت در اختیار آنها می‌گذارد، مشاغل دلخواه خود را فراهم آورند تا اهداف قانونگذار قانون اساسی مبنی بر نفی هرگونه ستم‌کشی و سلطه‌پذیری و برقراری قسط و عدالت اقتصادی جامع عمل بپوشد، چرا که (همان‌طور که پیش از این گفته شد) همه مقاصد و آرمانهای حکومت اسلامی و الهی، همانا تعلیم و تربیت انسانها بر اساس ارزشها و دستور عملهای دینی می‌باشد. به همین لحاظ مقنن علاوه بر اصول اقتصادی یاد شده، برای تبیین کلیات اقتصاد و امور مالی فصل چهارم قانون اساسی را با سیزده اصل تدوین نموده که مفصل‌ترین آن در خصوص ضوابط کلان اقتصاد کشور است که در دواصل ۴۳ و ۴۴ بیان شده است.

و اما اصل ۴۳ قانون اساسی اشعار می‌دارد: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و بر آوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک و بهداشت و ... ۲- تأمین شرایط و امکانات برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل «تعاونی» از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام

اسلام تنظیم و تدوین شود. چرا که، در دنیایی که چشم طمع دولتهای استعمارگر و زورمدار و سلطه طلب به منابع و ذخایر و بازار مصرف کشورهای ضعیف و توسعه نیافته دوخته شده، بالضروره می‌طلبید که تفکر اقتصادی مستقل و متفاوت با اندیشه‌های سودجویانه افزون طلب دنیابپرست، قد علم کند و برخلاف انتظارات و تمایلات سرمایه داران سلطه طلب، قوانین و ضوابط اقتصادی تدوین و تقنین یابد که مبنای آن ترویج و تعمیم شیوه اقتصادی باشد که موجب برانگیختگی حس فرهنگ تشریک مساعی و ایجاد رستخیز در پدید آمدن روحیه تعاون و مشارکت در مردم جامعه شود تا فعالیتهای مولد در قالب مؤسسات و شرکتهای و تشکلهای تعاونی نزع گرفته که النهایه منجر به مبارزه عملی و عینی با کاستیها و نواقص و در یک کلام باعث اصحاء استعمار و استعمار گردد.

اگر قانون اساسی به گونه‌ای دیگر تدوین می‌شد، یقیناً انقلاب به خطا رفته بود. چرا که شا کله و زیربنای انقلاب ملهم از احکام و ضوابط حیات بخش اسلام علوی و فاطمی و حسینی و شعاری کونو للظالم خصماً و للمظلوم عوناً، بوده است. لذا با توجه به مراتب فوق، مقنن قانون اساسی با مدنظر قرار دادن دلایل فوق و با عنایت به ضوابط و احکام اسلامی و شعارهای عدالتخواه امت شهید پرور ایران مبادرت به تقنین اصل ۴۳ قانون اساسی با تأکید و تصریح ایجاد و تقویت روحیه مشارکت و تعاون در اقشار مختلف جامعه، نموده است. مضافاً با عنایت به تفکر و منابع اسلامی و ملاحظه شرایط و اوضاع و احوال روز و پیشرفتهای تکنولوژی و تغییر و تحولاتی که در عرصه اقتصاد جهانی رخ داد و ایضاً به منظور حفظ و تأمین استقلال اقتصادی و نیز رسیدن به مرحله خودکفایی و توزیع عادلانه ثروت و جلوگیری از انحصار و احتکار، امور اقتصادی کشورمان در اصل ۴۴ قانون اساسی به سه بخش دولتی و تعاونی و خصوصی تقسیم و پایه ریزی شد که معیار و ملاک تقسیم‌بندی مذکور بدین شرح است.^۲

در شرکتهای تعاونی به لحاظ اینکه از محل عرضه و فروش سهام عضویت، سرمایه و دارایی شرکت شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر از محل آورده‌های اعضا اموال و دارایی شرکت تهیه و مهیا می‌گردد.

اموال و دارایی شرکت تهیه و مهیا می‌گردد (اعم از نقد یا غیرنقدی، منقول یا غیرمنقول). بنابراین پرواضح است که جمیع اعضا تعاونی در جزء جزء اموال و دارایی شرکت دارای حق دینی خواهند بود و اما چرا و به چه دلیل مدونین اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، اقتصاد کشور را بر سه پایه و بخش تقسیم و ترسیم نموده‌اند و معیار محوریت و مزیت تعاونی نسبت به دو بخش دیگر چیست؟

با عنایت به گسترش فزاینده و پیچیدگی‌های فعالیتهای اقتصادی از یک سو و با توجه به ماهیت سیستم اقتصادی غرب (اقتصاد کاپیتالیستی و سرمایه داری لجام گسیخته) و سیستم اقتصادی شرق، که همه چیز تقریباً در اختیار و انحصار قدرت حاکمه می‌باشد (اقتصاد کمونیستی) که در هیچ یک از آنها تلاش و کسب درآمد وسیله‌ای برای تحصیل تعالی و حفظ عزت و کرامت والای انسانی و نیز رفع ستم‌گری و ستم‌کنشی و با ملاک قسط و عدل در نظر گرفته نشده است، لذا پایه‌گذاران اصول اقتصادی کشور اسلامی‌مان پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی با هوشیاری و رسالت پیامبرگونه‌ای که احساس می‌کردند، بر آن شدند تا در قانون اساسی، نظریه اقتصادی جدیدی را به دنیا عرضه کنند که نه واجد وصف سرمایه داری حاکم و نه متصف به انحصار مطلق دولت بوده بلکه بین‌الامرین باشد. یعنی از یک سو از تداول و تمرکز ثروت در دست اشخاص و گروهها جلوگیری به عمل آید و از سوی دیگر از انحصار و کارفرمای مطلق شدن دولت پرهیز گردد یعنی در جهت نبل به قسط و عدل و مساوات مورد تأکید شرع انور

ملک عموم مردم است (به اصطلاح رایج و متداول امروزی «بیت‌المال» محسوب می‌گردد) به دو نوع تقسیم می‌شود: الف - اگر دولت به عنوان نماینده مردم بتواند آن چیز را بخرد یا بفروشد (به عبارت دیگر انتقال دهد یا واگذار نماید) در این صورت رابطه‌ای که بین دولت و آن شیئی وجود دارد یا بوجود می‌آید، رابطه یا مالکیت دولتی گویند. مانند سهام کارخانجات. ب - اگر آن شیئی بطور کلی قابل خرید و فروش و نقل و انتقال و واگذاری (حتی از سوی دولت) به اشخاص (اعم از حقیقی یا حقوقی همانند گروهها و شرکتهای...) نباشد، مالکیت عمومی گویند.

دلیل عدم قابلیت خرید یا فروش اشیاء موصوف آن است که چون به جمیع افراد آن سرزمین اعم از اشخاص که در زمان حال زندگی می‌کنند یا جمیع کسانی که بعداً متولد خواهند شد، تعلق دارد. لذا چون کسب اجازه و تأییدیه مقدر و میسر نمی‌باشد بنابراین معاملات بر آن اشیاء باطل و مردود است (مانند انفال که شامل کوهها، مراتع طبیعی، معادن، دریاها، جنگلها و... می‌شود). اما مالکیت شخصی، به نوبه خود بر دو قسم است: الف - مالکیت فردی (یا مالکیت مفروز و مجزی) ب - مالکیت مشاعی یا جمعی. به طور مثال یک ساختمان سه طبقه را می‌توان در نظر گرفت، چنانچه هر طبقه دارای صاحب و مالک مشخص و معلومی باشد به اصطلاح مالکیت در آن تفکیک شده باشد، به آن مالکیت مفروز یا فردی گویند. لیکن اگر ساختمان مزبور بگونه‌ای باشد که هیچیک از طبقات آن مالک معینی نداشته باشد بلکه ملک موصوف مثلاً از طریق ارث به اشخاص رسیده باشد، در این صورت تا قبل از تقسیم و تفکیک سهم هر شخص، جمیع وراثت نسبت به جمیع مترائز و طبقات آن حق مالکانه خواهند داشت که به اصطلاح به آن «مالکیت مشاعی» گویند. اکنون باید دید که در شرکتهای تعاونی مالکیت چه کیفیتی است.

در شرکتهای تعاونی به لحاظ اینکه از محل عرضه و فروش سهام عضویت، سرمایه و دارایی شرکت شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر از محل آورده‌های اعضا

۱- بخش دولتی: از آنجا که قدرت دولت برتر از قدرتهای موجود در کشور است و هدف دولت تحقق خواسته‌های عمومی است و سرمایه‌ای هم که دولت در اختیار دارد با اشخاص (حقیقی یا حقوقی) قابل مقایسه نیست، جهت حفظ مصالح عمومی، فعالیت‌های مربوط به صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها، رادیو و تلویزیون، هواپیمایی و... در اختیار دولت قرار داده شده است. البته همانطوری که در اصل ۴۴ تصریح شده، اقتدار دولت تا جایی است که از محدوده موازین اسلامی خارج نشده و با اصول دیگر قانون اساسی منطبق باشد و نیز موجب رشد و توسعه اقتصاد کشور شده و مایه زیان جامعه نشود چرا که این شرایط تحت اوضاع و احوالی برای دو بخش دیگر نیز قابل فرض و اعمال خواهد بود. کما اینست که در حال حاضر با روند خصوصی‌سازی، بخش‌هایی از این امور برابر قانون برنامه توسعه سوم اقتصادی و اجتماعی در حال واگذاری و حذف انحصارات دولت می‌باشد.

۲- بخش تعاونی: قانون اساسی در مورد این بخش به طیف وسیعی از اقشار جامعه توجه داشته است که دارای سرمایه کافی نبوده لکن قادر به کار و خلاقیت هستند. از سویی از نظر اقتصادی با بخش خصوصی قادر به رقابت نیستند و اگر مورد حمایت و پشتیبانی مستمر قانونی قرار نگیرند از توان کار آنها استفاده مطلوب و بهینه نخواهد شد. یا به نحو ظالمانه در خدمت سرمایه قرار خواهند گرفت. بنابراین همانطوری که در شق دوم اصل ۴۳ پیش‌بینی شده، باید شرایط و امکانات کار به منظور رسیدگی به «اشتغال کامل» و نیز حمایت و پشتیبانی قانونی و مالی از این بخش صورت گیرد و وسایل کار در شکل «تعاونی» از راه اعطاء وام بدون بهره و یا طرق دیگری که به تمرکز و تداول ثروت نینجامد (به عبارت دیگر قسط و عدل اقتصادی محقق گردد) شرکتها و مؤسسات در قالب «تعاونی» تولید و توزیع آن هم در شهر و روستا (یعنی در تمام نقاط ایران) طبق ضوابط اسلامی شکل گیرد.

۳- بخش خصوصی: در دیدگاه اولیه

همانند بخش تعاونی است که فعالیت اقتصادی آن به طور عادی و از طریق طیفی از مردم صورت می‌گیرد. لیکن فرقی که با فعالیت بخش تعاونی دارد این است که در اینجا (بخش خصوصی) اصل سرمایه و کسب منفعت از نیروی کار دیگران است و نیروی انسانی برای شخص سرمایه‌دار کار می‌کند و فقط از نیروی کار خود مزد دریافت می‌دارد و اگر شخص سرمایه‌دار لجام گسیخته و بدون ضوابط و نظارت وا گذاشته شود ممکن است نیروهای تحت امر خود را صرفاً برای بهره‌کشی و تمامیت خواهی خود به کار گیرد که اینها به پدیده شوم و خطرناک «تکثیر ثروت منجر شود. در اینجاست که از رفتار و کردار وی اجتماع متضرر خواهد شد (زیرا به مصداق آیه شریفه: (ان الانسان لیطغی ان راه استغنی)؛^۲ همچنین بر خلاف بخش تعاونی، هیچگاه متصور نیست که نیروی کار روزی مدیریت و اداره کارگاه محل فعالیت خود را عهده‌دار شده و خود کارفرمای خویش شود. طبعاً این امر بر تفکر و خلاقیت و ابتکار و شوق و انگیزه فعالیتی وی اثر منفی خواهد گذاشت و رفته رفته او را به ورطه انفعال می‌کشاند. در حالی که در بخش تعاونی با توجه به خصوصیات و ویژگیهای ذاتی‌اش نیروی انسانی به این امر وفوف کامل دارد که هر چه بیشتر تلاش و کوشش نماید و احیاناً نوآوری و خلاقیتی از خود بروز دهد، سود و بازده آن مستقیماً به خودش باز خواهد گشت (که این فاکتور و عامل در پیشرفت امور بسیار بسیار حائز اهمیت و قابل اعتنا خواهد بود). مهم‌تر این که چون کارگر در بخش تعاونی به این مطلب توجه دارد که مدیریت کارگاه در اختیار خود اوست یا در اختیار فردی است که از طرف او انتخاب شده است و به عبارت دیگر چون نیروی کار در کارگاه می‌داند که خود کارفرمای خود است طبعاً چنین برداشتی بر میزان و حتی کیفیت کار او اثر مثبت رو به تزاید خواهد گذاشت لذا در اثناء فعالیت، حالت انفعال بر او عارض نمی‌شود بلکه پر انرژی‌تر و فعال‌تر نیز می‌شود به همین جهت است که با مذاقه در منطوق اصل ۴۴ قانون اساسی مقررین محترم بخش تعاونی را محور و مرکز ثقل

فعالیت اقتصاد ملی ترسیم نموده است. دلیل مدعی مزبور که بخش تعاونی در اصل ۴۴ مرکز و محور و دو بخش دولتی و خصوصی مکمل آن هستند این است که: ۱- اولاً در ارتباط با قلمرو فعالیت بخش دولتی، قانونگذار با توجه به تمثیلهای و نمونه‌هایی که به کار برده صرفاً مجوز فعالیت در امور اقتصادی با ماهیت و ویژگی خاصی را صادر نموده لذا فعالیت این بخش را مقید آورده است نه مطلق. ۲- نسبت به حوزه و قلمرو فعالیت بخش خصوصی تأکید و تصریح شده که قسمتی از امور کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت، و خدمات را به انجام رساند و به عنوان «مکمل» فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی عمل می‌کند. پرواضح است که چنان شروطی به منزله مقید و محدود کردن بلاشبهه فعالیت این بخش خواهد بود. در صورتی که نسبت به حوزه و قلمرو فعالیت بخش تعاونی گفته شده: شرکتها و مؤسسات تعاونی در «شهر و روستا» بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.

اگر با مذاقه کافی به عبارت «شهر و روستا» بنگریم چون در تمام ایران اسلامی هر نقطه‌ای که بوی آبادی و عمران از آن به مشام می‌رسد آن جا یا شهر است یا روستا بنابراین مستفاد است که قانونگذار محترم در قانون اساسی خواسته بگوید که در جای جای کشور اسلامی ایران فعالیت اقتصاد ملی بر مبنای «تعاونی»، شاخص و مرکز ثقل است. لکن دو بخش خصوصی و دولتی باید به طور فرعی و تکمیلی در کنار بخش تعاونی به فعالیت اقتصادی بپردازند. در خاتمه و سرانجام این مبحث باید یادآور شد که چون در بخش تعاونی برخلاف دو بخش دیگر: ۱- وجود روحیه همکاری و تعاون به جای رقابت اصل است، ۲- حق رأی در اعمال و تصدی مدیریت تابع انسان است نه سرمایه و میزان سهام، به عبارت دیگر در مقام اعطای رأی و انتخاب مدیر، انسان اصالت دارد نه میزان سهام، ۳- هدف از سهم شدن و سرمایه‌گذاری در تعاونی‌های تولیدی و مولد اشتغال شخص سرمایه‌گذار است نه افزون‌طلبی سرمایه‌گذار، ۴- در تعاونی‌ها از مرحله تولید محصول تا مصرف، واسطه‌کاسته خواهند شد (زیرا

متخصص در حد و اندازه یک وزارتخانه متأسفانه در تبصره یک ماده قانونی اخیرالذکر عنوان داشته که وزارت تعاون با همان امکانات و دارایی‌ها و پرسنل موجود!!! تشکیل می‌شود. در صورتی که حق آن است که امکانات و تسهیلات پرسنل و ... متناسب با میزان انتظارات و توقعاتی که از آن در اذهان دولتمردان خصوصاً و عامه مردم عموماً وجود دارد به این وزارتخانه نوپا و تازه تأسیس داده می‌شد چرا که اگر ابزار و امکانات کافی و وافی برای اعمال نظارت در اختیار نداشته باشد چگونه می‌تواند تأمین‌کننده انتظارات ایجاد شده باشد و چه طور می‌تواند از چنین وزارتخانه‌ای تحقق و تجلی اهداف عالی‌تر مندرج در اصول ۴۳ و ۴۴ و دیگر اصول را متوقع باشند و ایضاً دولتمردان چطور می‌توانند متوقع باشند که چون وزارت تعاون نتوانسته در حد ۳۳ درصدی در اقتصاد ملی تأثیرگذار باشد پس وزارت مزبور در وظایف محوله خود کوتاهی کرده است!!!؟ در این جا است که انسان به یاد آن ماجرابی می‌افتد که به شخصی گفتند، چرا به این وضعیت درآمدی؟ در جواب گفت: هر کس ۲ ریال به من کمک کرده بیاید ۵ ریال بگیرد!

نکته قابل توجه دیگر این است که، به رغم این که جایگاه بخش تعاونی در اقتصاد ملی بسیار قوی و مستحکم است لکن تاکنون یک برنامه جامع و فراگیر برای توسعه بخش موصوف در کشور که در آن میزان رشد سالانه اقتصاد تعاونی و نیز حد و کمیت توسعه متوقع آن مشخص شده باشد وجود نداشته و مدون نشده است!!! از نکات شایان ذکر که تعجب و تأسف برانگیز است این است که پس از تشکیل وزارت تعاون به جای آن که با اعطای تسهیلات و امکانات و اجازه استخدام پرسنل مورد نیاز، آن را به طور تام و تمام یاری رسانند متأسفانه حدود یک ماه پس از تصویب قانون بخش تعاونی با تصویب ماده واحده‌ای در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۳۰ سازمان تعاون روستایی را از پیکره وزارتخانه تازه تأسیس منفک و جدا می‌سازند (که اتفاقاً از میان سازمانها و مراکزی که با تجمیع آنها وزارت تعاون تشکیل شده، سازمان تعاون روستایی

نکته قابل عنایت این است که بند یک ماده ۶۶ قانون بخش تعاونی از جمله وظایف مهم وزارت تعاون مقرر می‌دارد: «۱- اجرای آن قسمت از قانون و مقررات در رابطه با بخش تعاونی که مربوط به دولت می‌شود و نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات بخش تعاونی» و نیز در بند ۳ ماده ۶۶ همان قانون آمده «جلب و هماهنگی حمایتها و کمکها و تسهیلات و امکانات دولتی و عمومی جهت بخش تعاونی با همکاری دستگاههای اجرایی ذیربط» و ایضاً جهت اجرای اهداف اقتصاد ملی در بند ۱۶ همان ماده قانونی ذکر شده: «تهیه و تنظیم طرحهای اساسی به منظور فراهم آوردن موجبات تحقق اهداف مندرج در اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». همچنین در تبصره بند ۲۳ آن آمده: «شورای پول و اعتبار موظف است همه ساله براساس درخواست وزارت تعاون و با رعایت سیاستهای پولی و مالی دولت نسبت به اعطای وام و کمکهای لازم به تعاونی‌ها اقدام نماید».

ما در اینجا به اختصار صرفاً چند بند از بندهای ۳۰ گانه ماده ۶۶ قانون بخش تعاونی را که از جمله وظایف و اختیارات وزارت تعاون است برای خوانندگان عزیز عنوان نمودیم. حال با توجه به موارد مهمه ۳۰ گانه فوق که هر کدام در جای خود می‌تواند در بخش اجرایی و عملیاتی و النهایه تأمین نمودن اهداف مندرج در اصل ۴۳ خصوصاً بند ۲ آن، بسیار شاخص و قابل توجه باشد. لکن پرواضح است که اجرایی و عملیاتی کردن هر کدام از بندهای ۳۰ گانه مستلزم وجود امکانات تسهیلات خصوصاً ابزار کار نیروی انسانی متخصص و کارشناس و ... می‌باشد. در حالی که برابر مفاد تبصره یک ماده ۶۵ قانون بخش تعاونی به رغم اینکه وزارت تعاون از تجمیع چند سازمان و مراکز پراکنده که متصدی تعاونی‌های با فعالیت مختلف، فراهم شده که امکانات این سازمانها و مراکز نسبت به هم دارای تفاوتهای شاخص و در خور توجه بوده معدالک از بدو امر قانونگذاری به جای اعطاء امکانات و تسهیلات خصوصاً صدور مجوز استخدام نیروهای انسانی

هم در حوزه تولید فعالیت می‌کند هم در مرحله توزیع) در حالی که در بخش خصوصی واسطه‌ها باالطبع فراوان و اشتغال کاذب ایجاد خواهد شد، ۵- در تعاونی‌ها همه اعضاء (نیروی کار) حق دارد داوطلب تصدی مدیریت گارگاه شود در صورتی که در دو بخش دیگر چنین نیست. بنابراین با توجه به مزایای فوق، اجرای اصول اقتصاد ملی در قانون اساسی در وهله نخست بر عهده بخش تعاونی نهاده شده است (بند ۲ اصل ۴۳)

نحوه اجرایی و عملیاتی کردن اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی

با عنایت به قسمت اخیر اصل ۴۴ مشعر بر این که «... تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش (دولتی، تعاونی و خصوصی) را قانون معین می‌کند، لذا مجلس شورای اسلامی جهت تحکیم جایگاه واقعی بخش تعاونی در تاریخ ۷۰/۶/۱۳ مبادرت به وضع قانونی تحت عنوان «قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران» در هفتاد و یک ماده و پنجاه تبصره می‌نماید...

در ماده ۲۴ قانون فوق‌الاشاره آمده است دولت موظف است جهت تحقق اهداف مندرج در اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی و افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی با رعایت ضرورتها در قالب برنامه رشد و توسعه اقتصادی اجتماعی کشور شرایط و امکانات لازم را برای گسترش کمی و کیفی تعاونی‌ها به گونه‌ای که این بخش نقش مؤثر در رشد و توسعه اقتصادی ایفاء نماید فراهم آورد.

به همین خاطر در ماده ۶۵ همین قانون آمده است: «به منظور اعمال نظارت دولت در اجرای قوانین و مقررات مربوط به بخش تعاونی و حمایت و پشتیبانی از این بخش «وزارت تعاون» تشکیل می‌گردد. آن چه قابل توجه است این که چون هدف تحقق و تجلی اهداف عالی اقتصادی در قالب «تعاونی» بوده لذا یک وزارتخانه مخصوصاً برای این بخش تأسیس و تشکیل می‌گردد و ایضاً در ماده ۶۶ قانون مورد بحث وظایف و اختیارات وزارت تعاون در ۳۰ بند به تفصیل برشمرده شده است.

تعاون منفعک و در اختیار وزارت جهاد سازندگی وقت قرار داده می‌شود!!؟ از دیگر امور قابل توجه این است که در سال ۱۳۷۶ با تصویب مجلس شورای اسلامی اجازه تأسیس و دایر نمودن «صد اداره تعاون در صد شهرستان» به وزارت تعاون داده شد لکن با تأسف باید گفت: که در این موقعیت نیز اجازه استخدام پرسنل لازم داده نشده در حالی که ناگفته پیداست که هسر ادارهای که در یک شهرستان مثلاً شهرستان کرج، اسلام‌شهر و ... تشکیل می‌شود حداقل وجود یک رئیس، یک کارشناس بخش تعاون، یک مسئول امور دفتری و یک شخص مسئول امور نظامتی، ضرورت دارد!! از طرفی در سال ۱۳۸۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری رأی صادر نمود که بر اساس آن وزارت تعاون تنها اجازه خواهد داشت در حوزه یک شهرستان اتحادیه شرکتهای تعاونی تشکیل دهد و در مراکز استانها و سراسر کشور از آن سلب اختیار شده است.

در ادامه باید گفت با مذاقه کافی و افا در اصل ۴۴ خصوصاً در مورد بخش دولتی و فعالیتها بر شمرده برای بخش مزبور، اظهار من الشمس و مبرهن است که چندین وزارتخانه و سازمان و مرکز دولتی با همه امکانات و بودجه و تسهیلات جهت تحقق آن در کنار همدیگر قرار دارند تا بتوانند اهداف معنونه را تجلی و تحقق ببخشند.

با توجه به آنچه گذشت، مهم‌ترین سؤالی که در پیش رو قرار می‌گیرد آن است که با عنایت به برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذارهای کلان فعلی چه در حوزه تقنین و چه در حوزه اجرایی تا چه حد توازن میان سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی برقرار شده است!!؟...

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- حقوق اساسی و نهادهای سیاسی - دکتر جلال‌الدین مدنی - ص ۱۱۷ - سخنرانی شهید مظلوم دکتر بهشتی (ره) در دانشگاه تهران - مورخ ۱۳۵۹/۹/۳۰
- ۲- حقوق اساسی و نهادهای سیاسی - دکتر جلال‌الدین مدنی - صفحه ۱۱۹.
- ۳- سوره مبارکه عنق / آبات ۶ و ۷

قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران با اصلاحات مورخ ۱۳۷۷/۲/۵ مجلس شورای اسلامی

فصل اول - اهداف و ضوابط کلی بخش تعاونی

ماده ۱ - اهداف بخش تعاونی عبارتست از:

- ۱- ایجاد و تأمین شرایط و امکانات لازم برای توسعه و گسترش تعاونی‌ها.
- ۲- فرار دادن وسائل کار و سرمایه به تعاونی‌ها.
- ۳- پیشگیری از تمرکز و تحقق عدالت اجتماعی.
- ۴- ...

عنوان: فصل اول - اهداف

فصل دوم - سرمایه

فصل سوم - حساب

فصل چهارم - تعاونی‌های

فصل پنجم - سازمان

فصل ششم - بخش اول - اهداف

فصل هفتم - تشکیل و ثبت تعاونی‌ها

فصل هشتم - تسهیلات و تسهیلات

فصل نهم - انحصار و تقاضای برای

فصل دهم - وزارت تعاون

فصل یازدهم - سایر مقررات

فصل دوازدهم - سایر مقررات



هم از بدو تشکیل وزارت تعاون تقدیر چنان بوده که هر از گاهی عضوی از پیکره این موجود تازه متولد شده منفعک و او خواسته یا ناخواسته خلع سلاح و منفعک گردد. این جداسازی غیر میمون آغاز یک قصه همراه با غصه و ترازدی دنباله‌دار بوده، چرا که پس از گذشت اندک زمانی با تصویب مساده واحدهای در تاریخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۳ کلیه شرکتهای تعاونی فرش دستیاف روستایی از قلمرو وزارت

بیشترین امکانات و تسهیلات و پرسنل را داشته است وانگهی علی‌رغم این که وزارت تعاون بیش از ۵۰ هزار شرکت تعاونی و اتحادیه زیر پوشش دارد و بر آنها نظارت می‌کند لکن «سازمان تعاون روستایی» حدود ۴ هزار تعاونی تحت پوشش دارد!!! در صورتی که امکانات و ساختمان و ماشین آلات پرسنل آن دو یا سه برابر امکانات و پرسنل وزارت تعاون می‌باشد!!! توگویی با این جداسازی آن